دو آیه‌ای که مشتمل بر هدف و سبب است

معرفی هدف و سبب در روایت داود رقی

در حال بحث از این جمله مبارک حضرت علیه السلام بودیم که فرمودند:

«وبالشهادتين يدخلون الجنة ، وبالصلاة ينالون الرحمة ، فأكثروا من الصلاة على نبيكم وآله ، إن اللّه وملائكته يصلّون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلّوا عليه وسلموا تسليما»[1].

به مناسبت سراغ روایت شریفه ای رفتیم که از امام علیه‌السلام سؤال کرد که معنای سلام بر پیامبر صلّی اللّه علیه و آله چیست. حضرت شروع کردند به بیان معنای سلام. عرض کردم این حدیث، بسیار عظیم است. بزرگ بودن این حدیث، برای این است که جامع میان سبب و هدف است. حاج آقا [مرحوم آیت اللّه بهجت] کلماتی داشتند که خیلی تکرار می‌کردند. بعضی کلمات را، فقط یک بار شنیدم. این کلمه را تنها یک بار شنیدم. اما خُب، هر وقت ایشان کلماتی می‌گفتند، کوتاه و پر بار بود. قبل از درس اصول و فقه صحبت می‌کردند. اینطور کلماتی داشتند. این جمله را یک بار شنیدم، نمی‌دانم در کتاب در محضر بهجت آمده است یا خیر. ولی ببینید خود حرف این عالم، نشان می‌دهد یک عالمی است که قدر خودش را دانسته است. فرمودند: دو آیه است که جامع بین سبب و هدف است. این جامعیت، خیلی به کار می‌آید. این روایت هم همینطور است. یعنی هم راه را نشان می‌دهد که چیست و چه کار بکن، و هم اثری را نشان می‌دهد که بر آن مترتب می‌شود. جامع بین سبب و هدف بود. تعبیری ایشان این بود که دو آیه هست که جامع بین سبب و هدف است. اولی این بود: «أَفَمَن شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ»[2]؛ هدف و سبب؛ هدف، شرح صدر و متنور بودن به نور الهی است. سببش چیست؟ «فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ». ایشان فقط همین را فرمودند، این توضیح از من است.

دیگر هم، آیه‌ی سجده واجب است؛ «كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِب»[3] های متعال بعد از اینکه از این غفلت‌ها و حالات دوری از او نهی می‌کند، می‌فرماید سجده بکن تا نزدیک شوی و نزدیک بشو. معلوم می‌شود که سبب سجده کردن است و هدف قرب الهی است. این هم آیه‌ی مبارک وجوب سجده در سوره‌ی علق بود.

حال این حدیث شریف هم همینطور است. جامع بین سبب و هدف است. حضرت علیه السلام، همین که شروع می‌کنند، می‌گویند خداوند متعال عهد گرفته است. خداوند، از خوبان عهد گرفته است که این کارها را بکنید، من هم ارض را به شما می‌دهم. سبب این است، هدف آن تسلیم و ورود در ارض مبارکه است. بنده در جلسه‌ی قبل، بخشی از حدیث را خواندم:

> «عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا مَعْنَى السَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ نَبِيَّهُ وَ وَصِيَّهُ وَ ابْنَتَهُ وَ ابْنَيْهِ وَ جَمِيعَ الْأَئِمَّةِ وَ خَلَقَ شِيعَتَهُمْ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ وَ أَنْ يَصْبِرُوا وَ يُصَابِرُوا وَ يُرَابِطُوا وَ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ وَ وَعَدَهُمْ أَنْ يُسَلِّمَ لَهُمُ الْأَرْضَ الْمُبَارَكَةَ وَ الْحَرَمَ الْآمِنَ وَ أَنْ يُنَزِّلَ لَهُمُ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ وَ يُظْهِرَ لَهُمُ السَّقْفَ الْمَرْفُوعَ وَ يُرِيحَهُمْ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ الْأَرْضِ الَّتِي يُبَدِّلُهَا اللَّهُ مِنَ السَّلَامِ وَ يُسَلِّمُ مَا فِيهَا لَهُمْ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالَ لَا خُصُومَةَ فِيهَا لِعَدُوِّهِمْ وَ أَنْ يَكُونَ لَهُمْ فِيهَا مَا يُحِبُّونَ وَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى جَمِيعِ الْأَئِمَّةِ وَ شِيعَتِهِمُ الْمِيثَاقَ بِذَلِكَ وَ إِنَّمَا السَّلَامُ عَلَيْهِ تَذْكِرَةُ نَفْسِ الْمِيثَاقِ وَ تَجْدِيدٌ لَهُ عَلَى اللَّهِ لَعَلَّهُ أَنْ يُعَجِّلَهُ جَلَّ وَ عَزَّ وَ يُعَجِّلَ السَّلَامَ لَكُمْ بِجَمِيعِ مَا فِيهِ»**[4]**.

جناب داود رقی رضوان اللّه علیه، حق بزرگی دارد که اینطور سؤالاتی را از مخازن علم الهی بپرسند تا این جور جوابها بیاید. اگر لایق نبود که حضرت علیه السلام، این جواب را به او نمی داد.

«... وَ خَلَقَ شِيعَتَهُمْ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ وَ أَنْ يَصْبِرُوا»؛ مرحوم مجلسی فرمودند: شاید «واو» لازم نباشد.

> **«وَ يُصَابِرُوا وَ يُرَابِطُوا وَ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ وَ وَعَدَهُمْ أَنْ يُسَلِّمَ لَهُمُ الْأَرْضَ الْمُبَارَكَةَ وَ الْحَرَمَ الْآمِنَ وَ أَنْ يُنَزِّلَ لَهُمُ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ وَ يُظْهِرَ لَهُمُ السَّقْفَ الْمَرْفُوعَ وَ يُرِيحَهُمْ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ الْأَرْضُ الَّتِي يُبَدِّلُهَا اللَّهُ مِنَ السَّلَامِ».**

شاگرد: «**الارضُ**» را مرفوع خواندید؟

استاد: اینطور که به ذهن قاصرم اظهر میآید، میخوانم تا برسیم محتملات دیگر را بحث کنیم.

---

[1]. شیخ صدوق، التّوحید، ج 1، ص ۷۳.

[2]. الزمر، آیه‌ی ۲۲.

[3]. العلق، آیه‌ی ۱۹.

[4]. شيخ كليني، الكافي (چاپ الاسلامية)، ج ۱، ص ۴۵۱.

بازبینی #2
ایجاد شده 20 ژوئیه 2024 11:42:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 ژوئیه 2024 12:33:04 توسط ... .